

پیشگفتار

بنا به گواه تاریخ نوشتاری و گفتاری بشر و دیگر یادگارها و ماندگارهای فرهنگی و تمدنی مشترک جهانیان، دنیادید فرد تابع ابعاد مشخص معنوی و مادی جامعه‌ی مادر است. تصویری که از جهان هستی ذهن انسان را در کام اندیشه و اعتقاد برده است در تمام موارد، در عمل، در باور، در رفتار و بینش اجتماعی و زندگی فردی و دیگر فعل و انفعالات و کنش و واکنشهای فرد تأثیر مستقیم دارد.

به قدمت عمر انسان تلاش و مبارزه برای فراهم آوردن شرایط زندگی بهتر وجود داشته است. با وجود آنکه سطح درک و شناخت در جوامع قدیمی بعلت محدودیتها، که هم سنخ فرایافت تاریخی مشخصی هستند، مانع تعریف روشن و جامع از اصول حقوق بشر شده است، اذهان و درک عمومی با ملاکهای ابتدایی عدالت و رعایت حریم حیثیت انسانها آشنا بوده‌اند و طریقه‌ی ممارست مرزهای اختیاری و صلاحیتی نظام را با وسوسه‌ی زندگی و خرد خود مورد سنجش و داوری قرار داده‌اند. انسانها در طول هزاره‌های متمادی در تلاش برای بدست آوردن حقوق برابر بوده‌اند. علیرغم اینکه حقوق پایه‌ای انسانها در اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف و مشخص شده و اکثر کشورها آنها را برسمیت شناخته و متعهد به اجرای مفاد آن شده‌اند، کم نیستند انسانها و جوامعی که از همان حقوق پایه‌ای بطور سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده توسط حکومتها محروم می‌گردند. جامعه یارسان یکی از آن جوامعی است که حقوق آنها در ابعاد گسترده از دیر باز تا کنون نقض شده و مورد تعرض قرار گرفته است.

تاریخ سیاسی و اجتماعی بشر پر از فرمانرواییانی است که هرکدام با نام و لقبی جایگاهی برای خود بدست آورده‌اند، یا اینکه خود تاریخ عنوانی را برایشان شایسته دانسته است. اذهان و داوری عمومی مشترک، شهرپاری را بیدادگر و شهرپاری دیگر را دادگر شناخته است. با وجود آنکه حق عملکرد سیاسی از مردم از طرف نیروهای مستبد و ظالم سلب و حقوق آنها نقض شده است، اما مبارزه برای استقرار نظامی عادل که بتواند حقوق فردی و اجتماعی آحاد و اجتماعات را محترم بشمارد و به ارزشهای برابری، عدالت اجتماعی و اقتصادی و به آزادیهای فردی و اجتماعی تطور و بسط دهد در اکناف و اطراف جهان هنوز ادامه دارد. مردم یارسان از این قبیل اجتماعات هستند که برای تحصیل و تحقق اهداف انسان محور به طرق مسالمت آمیز از دیر باز تا کنون مبارزه می‌کنند.

در غیاب حاکمیت مردمی، بنیادی ترین حقوق و آزادیهای انسانی شهروندان در جامعه، محدود، نقض و یا بطور کلی پایمال می‌گردد. تداوم چنین وضعیتی نارضایتی فردی و گروهی را بدنبال داشته و سبب بی ثباتی اجتماعی و سیاسی در جامعه میگردد. در جوامعی که اصل عدم تبعیض و اصل تساوی حقوق انسانها نادیده گرفته میشود، اساس همزیستی مسالمت آمیز در روابط انسانها به چالش کشیده میشود.

یارسان و هویت ملی

مردم یارسان پیروان آیین یاری، یکی از پایدارترین و اصیل ترین جوامع هستند که بخاطر دفاع از هویت، زبان و فرهنگ خود همچون دیگر بخشهای مردم کرد در کردستان ایران همواره از ستم ملی و ستم مضاعف دینی رنج برده‌اند. از آنجا که پروسه شکل گیری فرهنگ و ارزشهای اجتماعی و انسانی جوامع بشری، تحت تاثیر زبان، افکار، فلسفه‌های علمی و آیینی تکوین و تحول یافته است، جامعه یارسان نیز بواسطه دیدگاهها، باورها و اندیشه‌های فلسفی منحصر بخود و تحت تاثیر آیین یاری به ویژگیهای فرهنگی، ارزشهای انسانی و اجتماعی مختص به خود دست یافته است.

از مطالعه آثار و ادبیات کتبی و شفاهی یارسانی و همچنین باورها و رفتارهای آنان چنین استنباط میشود که بیشتر سنتها و مرسومات مرتبط با جامعه یارسان از دیرباز در میان کردها و دیگر ملتها و قومیتهای ساکن در فلات ایران بویژه در جوامع زاگرس نشین، رایج بوده‌اند.

جامعه‌ی یارسان از پیشقراولان و حاملین مشعل آزدیخواهی و سمت دهندگان مبارزات بومی در سرزمین ایران و کردستان می‌باشند. جامعه‌ی یارسان بعد از فروپاشی امپراتوری ساسانی و تثبیت قدرت سیاسی اعراب در سرزمین اجدادیشان، همدوش دیگر نبرهای اجتماعی در ایران و کردستان، در قرن دوم هجری دوران سکوت و خلوت و خلاء را شکستند و همدوش دیگر نیروهای اجتماعی در ایران وارد مبارزه علیه بیدادگریها و سیاستهای عرب سالاری شدند.

بنابه آثار یارسانی، متعاقب استیلای اعراب بر مناطق محل زیست یارسانیان، نهضت‌های متعددی در دورانه‌های مختلف در جهت حفظ و بازسازی هویتها و ساختارهای اجتماعی ما قبل اسلام از یکسو و مقاومت در برابر تهاجم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشغالگران از سوی دیگر در فواصل زمانی گوناگون شکل گرفته که می‌توان از برجسته‌ترین آنها به نهضت‌های بابا سرهنگ دودانی قرن دهم میلادی، شاه خوشین لرستانی قرن یازدهم میلادی و بابا ناووس جاف اشاره نمود. تداوم این نهضتها سرانجام به دوره‌ی سلطان سهاک برزنجی در قرن سیزدهم میلادی و ظهور و علنی شدن آیین یاری می‌انجامد. در این دوره قراردادی تحت عنوان "بیابوست پردیوری" یا "بیابوست پردیوری" منعقد میشود ("پردیور" نام محلی در هورامان کردستان ایران است) در این قرار داد اصول اعتقادی آیین یاری، آرمانها و اهداف و شیوه رهبری جامعه از طریق نظام شورائی "پیر و پادشاهی" مشخص میشوند. مبارزه و مقاومت در جهت حفظ هویت فرهنگی و آیینی بر اساس شالوده‌ای از باورهای کهن پیش از اسلام رایج در میان کردان سازماندهی میشود. رنسانس فکری در جهت اصلاح اخلاقی انسان و جامعه و ترفیع مقام و جایگاه انسان و بیرون رفت از انحطاط ارزشی بر اساس چهار اصل اخلاقی "راستی، پاکی، نیستی و ردا" شکل میگیرد. برابری و عدالت اجتماعی و رسیدن به نوعی از سیادت و خودگردانی اتنیک در حین عشق و وفاداری به حفظ و حراست از فرهنگ و تمدن زاگرس و اسطوره‌ای ماد میترائی در دستور کار قرار میگیرد.

تداوم نظام پیرو پادشاهی و ادامه رسالت تعریف شده در پیمان پردیوری از طریق تشکیل "جم‌های (جمع، شورا) و خاندانهای یاری میسر و عملی میگردد که تا کنون نیز بقوت خود باقی مانده است.

دوره سید حیدر ملقب به سید براکه گوران در اوایل قرن نوزدهم میلادی جلوه دیگری از تداوم نهضت یاری است. این دوره از تلاش یارسانیان برای کسب شناخت واقعی از مبانی فکری، آیینی، فرهنگی و تاریخی خود و همچنین گردآوری آثار و ادبیات یارسانی از اهمیت محوری برخوردار است.

جامعه یارسان امروزی، وارث اعتقاد یاری، پیمان پردیوری با ارزشها، آرمانها و رسالت‌های آن است. رسالت‌هایی که نه تحقق یافته‌اند و نه به فراموشی سپرده شده‌اند. ستمی که بر جامعه یارسان نیز روا دیده شده است تا حدود زیادی نیز ریشه در پایداری و مقاومت آنان در جهت حفظ همین میراثها بوده است.

وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه‌ی یارسان در دوران جمهوری اسلامی ایران

جامعه یارسان یکی از جوامعی است که بی حقوقی را در تمامی عرصه‌ها و در ابعاد وسیع تجربه کرده و این جامعه در تاریخ موجودیت خود شاهد تداوم نبردی نابرابر در جهت حفظ موجودیت و ساختار هویتی خویش است. ستم دینی، مضاعف بر ستم ملی، نابرابری حقوقی و محرومیت از بهره‌گیری از امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، منجر به عدم رشد استعدادهای فردی و جمعی جامعه یارسان گردیده و سبب شده است که مناطق یارسان نشین جزو محرومترین نقاط ایران باقی بماند و قربانی سیاست آسیمیلیسیون (حل و یکسان سازی) شود. تنگ نظری اجتماعی و ناآگاهی وسیع در سطح جامعه نیز همگام با این سیاست عمل نموده و در به انزوا کشاندن جامعه یارسان نقش خود را ایفا نموده است. انتشار اکاذیب و تعریفات جعلی از هویت یارسانها بطور دانسته و ندانسته، از جانب خودی و بیگانه سبب شده که همسایگان غیر یارسانی ما نسبت به آیین یاری دچار شک و تردید شوند و خود یارسانها نیز به نسبت اعتقادات و هویت خود دچار سردرگمی و چنگدگانی باشند. پیروان آیین یاری با عناوین بی مصداقی همچون اهل حق، علی الهی، شیطانپرست مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که اکثر پیروان این آیین در کردستان ایران زندگی میکنند. آیین یاری در بین دیگر ملت‌ها در ایران نیز دارای پیروان زیادی است. در کردستان عراق و در عراق از یارسانها تحت عنوان " کاکه‌یی" نام برده میشود.

انقلاب سال 1357 و تغییر در ساختار سیاسی و استقرار رژیم دینی در ایران، انواع تنش‌های سیاسی و اجتماعی را به دنبال داشت. مبارزات آزادیخواهانه از یکطرف و اقتدارطلبی سیاسی مذهبی از طرف دیگر منجر به اعلام جنگی ناعادلانه علیه نیروهای آزادیخواه، اقلیتهای ملی و دینی در سراسر ایران و کردستان و بتبع آن علیه مردم یارسان گردید که این جنگ خود را در قاموس بمباران، کشتار مردم بی دفاع و محاصره‌ی اقتصادی و اعمال محرومیت‌های اجتماعی نشان داد.

نظام حاکم کنونی در ایران بر اساس احکام شریعت اسلامی و ایدئولوژی مذهب شیعه و اصل ولایت فقیه استوار است. در این نظام مذهبی، یکی از پیش شرط‌های برخورداری از حق شهروندی برابر، اعتقاد به مذهب حاکم و وفاداری به نظام ولایت فقیه است. در نتیجه مردم یارسان همراه با سایر اقشار جامعه که پیرو مذهب مورد نظر رژیم نیستند از حق شهروندی محروم و محکوم به تحمل اجحافات، بی حقوقی و تبعیضات فاحش غیر انسانی شده‌اند.

با وجود آنکه یاری تنها آیین رایج و متداول در میان یارسانیان تحت ستم در نظام جمهوری اسلامی است، موجودیت آن انکار شده و پیروان این باور کهن نه تنها به رسمیت شناخته نشده‌اند، بلکه بر اساس بندهای ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق پایه‌ای و موجودیت جامعه یارسان نیز نفی شده، و تبلیغ این آیین تا حد ارتکاب به جرم و پیروی از آن نقض قوانین جمهوری اسلامی محسوب میشود. فرد یارسانی برای ادامه‌ی حیات و بدست آوردن حقوق اولیه‌ی انسانی خود مجبور به خودسانسوری و جعل هویت تاریخی میشود.

مردم یارسان در همان ابتدای به انحراف رفتن انقلاب ۵۷ و تبدیل شدن آن به یک حکومت دینی، نارضایتی خود را نسبت به این روند به شکلهای گوناگون نشان دادند. در همان اوایل پیروزی انقلاب و در ادامه سیاستهای تبعیض آمیز ضد بشری جمهوری اسلامی سرکوب بی رحمانه مردم یارسان شروع شد و رفتار بی رحمانه حکومت اسلامی منجر به فرار و آواره گی هزاران نفر از این مردم به کشورهای مجاور از جمله عراق شد.

مردم یارسان در راستای مبارزه حق طلبانه برای بدست آوردن حقوق اجتماعی خود در طول چهار دهه اخیر دست به تشکیل سازمانها و جنبشهای سیاسی که در زیر به آنها اشاره میشود زده‌اند.

تشکیل جنبش مقاومت جامعه اهل حق در اوایل دهه هشتاد میلادی

در ابتدای دهه هشتاد میلادی، بخشی از جامعه یارسان با تشکیل جنبش سیاسی/ نظامی (جنبش مقاومت جامعه‌ی اهل حق) در مناطق کردستان عراق، مبارزات خود را بطور همزمان و در پیوند با جنبش ملی دمکراتیک مردم کردستان و ایران به پیش بردند، اما بدنبال تحولات سیاسی و نظامی و همچنین محدودیتهای فراوان در منطقه، این جنبش امکان تداوم نیافت و منحل گردید.

تأسیس دو سازمان یارسانی جنبش دمکراتیک یارسان و یاریکورد

در اوایل دهه‌ی نود، و انتقال بخش زیادی از مردم یارسان به کشورهای پناهنده پذیر غربی، امکان نوعی بازبینی و گرایش بسوی سازمان یابی مجدد فراهم گردید، و بدین ترتیب امکان ایجاد تشکلهای فرهنگی و سیاسی توسط اعضای برونمرزی این جامعه بوجود آمد.

زندگی در جوامع دموکرات به درک و آشنای جامعه‌ی یارسان از حقوق فردی و اجتماعی سرعت بخشید. گفت‌وگو راجع به تعدد فرهنگها در کشورهای اروپای امکان آشنای با کار سازمانی دقیق و فعالیت اجتماعی سالم مبنی بر نگرش پلورالیستی سیاسی و فرهنگی بخش برونمرزی را وادار به ایجاد تشکلهای فرهنگی، سیاسی، پناهندگی و مدنی کرد.

در تقابل با وضعیت موجود، اعضای جامعه‌ی برونمرزی یارسان، پس از بحث و بررسی های متعدد به این نتیجه رسیدند که مبارزه مسالمت آمیز، و طرح خواسته‌های عادلانه‌ی مردم یارسان در بستر موقعیت سیاسی حاضر، امری لازم و ضروری است و در نتیجه ایجاد یک تشکل سیاسی که بتواند بزبانی گویا این خواسته‌ها را بیان کرده و توان عمومی را در راستای رسیدن به آنها بسیج نماید، ضروری مینمود. نتیجه این ضرورت موجب تأسیس جنبش دموکراتیک یارسان در مارس ۲۰۰۷ و سازمان یاریکورد در سال ۲۰۱۰ شد.

معرفی سازمان دموکراتیک یارسان

جنبش دموکراتیک یارسان و یاریکورد با توجه به اهمیت اتحاد و همصدائی نیروهای سیاسی و اجتماعی و جذب هر چه بیشتر فعالین و نیروهای یارسانی برای نیل به اهداف خود زمینه برگزاری یک کنگره مشترک تحت عنوان "کنگره اتحاد یارسان" فراهم آوردند که در تاریخ در ۷ و ۸ آپریل منجر به تأسیس سازمان دموکراتیک یارسان شد.

سازمان دموکراتیک یارسان یک تشکل سیاسی، دموکراتیک و معتقد به پلورالیسم سیاسی است. جریانی است که خود را متعهد به رعایت از اعلامیه جهانی حقوق بشر، الحاقات و میثاقهای مربوطه میداند و خواهان برقراری یک نظام سکولار و دموکراتیک در ایران بمنظور نیل به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون و کسب حقوق مطرح در اعلامیه مذکور است.

سازمان دموکراتیک یارسان معتقد است که جامعه یارسان میبایستی همزمان که در جهت رفع ستم ملی و دینی بر خود میکوشند، در سطوح مختلف مبارزاتی دیگر نیز همگام با مبارزات عدالت‌طلبانه و آزادیخواهانه اقشار اجتماعی حرکت کند. این سازمان معتقد است آزادی زن یارسانی، بسته به آزادی زن در جامعه ایران و کردستان است. کسب حقوق کارگر، کشاورز، اندیشمند یارسانی نیز باید در همین پیوستگی پیگیری و حصول شود.

برای تحقق و رسیدن به آرمانهای انسانی جامعه‌ی یارسان، این تشکل خود را متحد طبیعی جریانات آزادیخواه و دموکرات کردستانی و ایرانی می‌داند، و انتظار دارد از همکاری و پشتیبانی این جریانات و احزاب برخوردار شود.

مبارزه‌ی سازمان دموکراتیک یارسان مسالمت آمیز و بر واقعیت و اعتقاد به پلورالیسم فرهنگی و سیاسی استوار است. غایت مبارزه سدی زندگی خوب و تأمین سعادت و امنیت برای آحاد، اجتماعات و افراد است. بعد دیگر مبارزه معطوف به احیای وجدان، بینش و ارزشهای فرهنگی و حضور تاریخی در پاسداری از سرمایه‌های بومی در ایران و کردستان می‌باشد.

اهداف و خواسته‌ها

۱. رعایت و اجرای مفاد منشور حقوق بشر مصوب ۱۰ مارس ۱۹۴۸ سازمان ملل و الحاقات و میثاقهای مربوط به آن.

۲. تمرکز زدائی سیاسی از طریق سپردن اداره امور به ساکنین مناطق مربوطه از طریق رای گیری دموکراتیک.

۳. جدایی دین از دولت و لغو دین رسمی در کشور. تلقی دین به عنوان امر خصوصی افراد بر پایه احترام و برخورد یکسان با پیروان ادیان و مذاهب

۴. برخورداری از حقوق شهروندی برابر، صرف نظر از تعلقات اعتقادی و هویتی بمنظور ایجاد امکان همزیستی مسالمت آمیز اقشار اجتماعی در کنار یکدیگر

۵. اجرای عدالت از طریق دستگاه قضائی غیر وابسته به دین و حکومت
۶. ممنوعیت اخذ اطلاعات اعتقادی افراد در فرمهای گزینشی دولتی و غیر دولتی
- توزیع عادلانه ثروت، درآمد و خدمات کشور و تعیین حداقل استانداردهای معیشتی و بهداشتی.
۸. جبران عقب ماندگیهای اجتماعی، اقتصادی از طریق تخصیص بودجههای اضافی به مناطق محروم و کاهش تفاوت استانداردهای شهری و روستایی
۹. دخالت نمایندگان مردم یارسان که از طریق آراء مخفی و مستقیم انتخاب شده باشند، در مجالس قانونگذاری محلی و سراسری و دیگر مجامع و نهادهایی که در رابطه با حقوق شهروندی در طرح و تصویب قوانین دخیلند.
۱۰. واگذاری حق اداره امور جامعه یارسان به مردم خود و حق داشتن یک مجمع که نمایندگی آنها را در مذاکرات رسمی بعهده بگیرد.
۱۱. ایجاد تسهیلات آموزش به زبان مادری. کشف، ثبت و حفظ آثار و ادبیات یارسانی در کنار دیگر سرمایه‌ها و میراثهای فرهنگی و ادبی کشور و تأسیس مراکز علمی/تحقیقی به این منظور.
۱۲. فراهم شدن شرایط بازگشت آوارمگان و پناهنده‌گان مطابق با استانداردهای انسانی و جبران خسارات مادی به آوارمگان و قربانیان درگیریهای ناخواسته
۱۳. تمام قوانین زن ستیز باید ملغی شود و با پیوستن کشور ایران به “کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان” ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، قانون اساسی آینده حقوق زنان با الهام از روح کنوانسیون فوق تعریف و آنها را تضمین کند.
۱۴. باید کارگر ایرانی بر اساس “میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۷۴” دارای حقوق تعریف و تضمین شده در قانون اساسی آینده باشد.

اساسنامه سازمان اتحاد دمکراتیک یارسان

ماده ۱. نام و هویت تشکل

۱. نام تشکل "سازمان دمکراتیک یارسان" با علائم اختصاری **سدی** و نام انگلیسی آن Yarsan Democratic Organization با علائم اختصاری YDO است.

۲. سازمان دمکراتیک یارسان تشکلی است مستقل با ساختار دمکراتیک.

ماده ۲. عضویت

۱. تمامی افراد بالای ۱۶ سال که برنامه و اساسنامه تشکل را بپذیرند و متعهد به رعایت مفاد آن بشوند، طبق درخواست کتبی و تأیید یکی از کمیته‌های سازمانی می‌توانند به عضویت آن درآیند.

۲. اعضاء جریانات سیاسی دیگر نمیتوانند بطور همزمان در سازمان دمکراتیک یارسان عضو باشند.

تبصره ۱. این بند شامل سازمانهای خارجی در کشورهای محل اقامت نمیشود.

ماده ۳. وظایف اعضاء

۱. تلاش برای تحقق اهداف و آرمانهای تشکل.
 ۲. پایبندی به اصول و نظم تشکیلاتی.
 ۳. تلاش برای حفظ وحدت جامعه یارسان.
 ۴. پرداخت حق عضویت سالانه بر اساس تصمیمات کمیته مرکزی بطور یکسان برای تمام اعضا.
- تبصره ۱. متقاضیان پناهندگی، دانشجویان و افراد بین ۱۶ تا ۱۸ سال ۵۰٪ از حق عضویت سالانه را پرداخت خواهند نمود.

ماده ۴. حقوق اعضاء

۱. حق شرکت در کنگره.
 ۲. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.
- تبصره ۱. اعضاء کاندیدهای ارگانهای رهبری باید بالای ۱۸ سال باشند.
۳. حق ارائه پیشنهاد و انتقاد.
 ۴. اعضاء تشکل از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۵. سلب عضویت

۱. اعضای که موازین و مقررات سازمان را نقض نمایند و یا به هر شکلی در جهت مخالف مصالح سازمان اقدام کنند، بعد از ابلاغ شفاهی و یک ابلاغ کتبی مورد مجازاتهای سازمانی از قبیل تعلیق مقطعی عضویت، سلب مسئولیت تشکیلاتی و اخراج قرار می گیرند.
۲. درخواست اقدامات تنبیهی توسط هیئت اجرائی تهیه و برای تصمیم نهایی در اختیار شورای مرکزی قرار می گیرد.
۳. تشکل حق دارد که در صورت لزوم افراد خاطی را از طریق مراجع ذیصلاح مورد پی گرد قانونی قرار دهد.
۴. وظایف، اختیارات و امتیازات افراد اخراجی و مستعفی از آنان سلب میشود.

ماده ۶. ارگانهای تشکیلاتی

۱. ارگانهای اصلی تشکیلات شامل کنگره، شورای مرکزی و هیئت اجرائی است

۲. کمیته بازرسی مالی، کمیته انتخابات، کمیسیون تهیه و تدوین برنامه و اساسنامه و کمیته‌های کشوری و شهری از دیگر ارگانهای وابسته هستند.

ماده ۷. کنگره

۱. کنگره عالی‌ترین ارگان تشکیلی است، و از کسانی که در فاصله بین دو کنگره، مشروط بر اینکه حداقل سه ماه از عضویت آنان گذشته باشد، تشکیل می‌گردد.
۲. کنگره فی‌ما بین سه، یا حداکثر چهار سال یکبار برگزار می‌شود.
۳. کنگره با شرکت ۲/۳ اعضاء رسمیت می‌یابد.
۴. پیشنهادات با کسب رای نصف + ۱ اعضاء در کنگره بتصویب می‌رسد.
۵. اعضای کنگره هیئت رئیسه‌ی کنگره را انتخاب می‌کنند.
۶. کنگره فوق‌العاده بنا بر درخواست ۲/۳ شورای مرکزی یا ۲/۳ اعضاء برگزار می‌شود.
۷. سازماندهی، تعیین زمان و مکان برگزاری کنگره از اختیارات شورای مرکزی است.
۸. برگزاری کنگره باید حد اقل ۲ ماه قبل از آن به اطلاع اعضاء رسیده باشد.

ماده ۸. وظایف و اختیارات کنگره

۱. تصویب برنامه و اساسنامه و ایجاد تغییرات در آن.
۲. انتخاب شورای مرکزی و اعضای علی‌البدل از طریق انتخابات آزاد و دمکراتیک.
۳. تعیین هیئت بازرسی مالی.
۴. تعیین کمیته انتخابات.
۵. برگزاری کنفرانس سالانه قبل از کنگره.

ماده ۹. کنفرانس سالانه

۱. نشست سالانه هر سال یک بار و با شرکت شورای مرکزی، هیئت اجرایی، نمایندگان کمیته‌های کشوری و شهری، نمایندگان کمیته‌ها و کمیسیونهای مختلف تشکیل می‌گردد.
۲. ریاست این جلسات را سخنگو/مسئول اول/ریاست مشترک، ۲ نفر از اعضای کمیته‌ها و دو نفر از واحدهای کشوری بعهده خواهند داشت.

ماده ۱۰. وظایف و اختیارات کنفرانس سالانه

۱. بررسی فعالیتهای سالانه کمیته‌ها، کمیسیون‌ها و واحدهای کشوری و شهری، همچنین بررسی موانع و مشکلات سر راه.
۲. ارائه پیشنهادات و راهکارهای مناسب در جهت رفع مشکلات و پیشبرد اهداف سازمان و ارگانهای مربوطه.

ماده ۱۱. شورای مرکزی

۱. اعضای شورای مرکزی، توسط کنگره انتخاب می‌گردند و بالاترین ارگان مسئول در فاصله بین دو کنگره هستند.
۲. کسانی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند که مدت ۶ ماه از عضویت آنها گذشته باشد.
۳. تعداد اعضای اصلی شورای مرکزی و علی‌البدل در کنگره و بر حسب نیاز تعیین می‌شود.
۴. جلسات شورای مرکزی هر دو ماه یکبار و جلسات فوق‌العاده بنا به درخواست ۲/۳ شورای مرکزی برگزار می‌شود.
۵. تصمیمات شورای مرکزی در صورت توافق ۲/۳ اعضاء حاضر در جلسات قابل اجرا خواهد بود.
۶. مخارج شورای مرکزی از محل بودجه سازمان تامین می‌گردد.

ماده ۱۲. وظایف و اختیارات شورای مرکزی

۱. مجری برنامه و تصمیمات، سیاست و استراتژی مصوبه کنگره است.
۲. انتخاب ریاست مشترک و هیئت اجرائی از بین اعضاء شورای مرکزی
۳. تقسیم وظایف اعضاء شورای مرکزی و ایجاد پستهای مورد نیاز
۳. تأسیس نهادهای ضروری با حفظ اصول و موازین تشکیلاتی.
۴. تهیه و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های داخلی و اجرایی.
۵. طرح پیشنهادات و راهکارهای مناسب برای تغییرات لازم در برنامه و اساسنامه.
۶. انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های تشکل.
۷. نظارت بر اعمال کمیته‌ها و کمیسیون‌ها.
۸. مطالعه و بررسی امکان همکاری و جلب پشتیبانی در سطح کشوری و بین‌المللی در راستای پیشبرد اهداف سازمانی.
۹. بررسی بودجه سازمانی و طرق تهیه آن

۱۰. رسیدگی به شکایات و انتقادات اعضاء و بررسی عضویت اعضاء

۱۱. شورای مرکزی و ریاست مشترک برای پیشرفت و موفقیت بهتر سدی میتوانند از مشاور استفاده کنند، عضویت در سازمان برای چنین افرادی لزومی نیست، اما آنان باید متعهد به حفظ اسرار سازمان باشند.

ماده ۱۳. هیئت اجرایی

۱. بالاترین ارگان رهبری تشکل در خلال دو نشست شورای مرکزی است.

۲. هر ماه یک بار تشکیل جلسه میدهد.

ماده ۱۴. وظایف و اختیارات هیئت اجرایی

۱. هیئت اجرایی مسئول پیشبرد و عملی کردن تصمیمات شورای مرکزی است

۲. گزارش کار به شورای مرکزی.

۳. مسئول ایجاد و ادامه روابط با جریانات و شخصیتهای مستقل است.

۴. مسئول انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های سازمانی است.

۵. نظارت بر اعمال کمیته‌ها و کمیسیونها.

۶. تنظیم بودجه سازمانی و ارائه آن به شورای مرکزی جهت بررسی

۷. بررسی شکایات اعضاء و رجوع آن به شورای مرکزی جهت اخذ تصمیم نهایی.

ماده ۱۵. واحدهای کشوری و شهرستانی

۱. اعضاء موظفند در کشور یا شهرستان محل اقامت خود برای پیشبرد برنامه‌های سازمان خود را سازماندهی کنند.

۲. مسئولین هر واحد از طریق انتخابات محلی انتخاب می شوند.

ماده ۱۶. کمیته بازرسی در امور مالی

۱. کمیته بازرسی مرکب از 3 نفر است ، که توسط کنگره انتخاب می گردند.
۲. اعضای کمیته بازرسی باید عضو شورای مرکزی یا هیئت اجرایی نباشند.
۳. کمیته بازرسی نظارت مستمر بر امور مالی را دارد.
۴. کمیته بازرسی نتایج کار خود را به شورای مرکزی، کنفرانس سالانه و کنگره گزارش می کند.

ماده ۱۷. کمیسیون تهیه و تدوین برنامه و اساسنامه

۱. تدوین و تنظیم برنامه و اساسنامه و ارائه آن به شورای مرکزی و کنگره

ماده ۱۸. کمیته انتخابات

۱. کمیته انتخابات مرکب از سه نفر است که توسط کنگره انتخاب می گردند.
۲. کمیته انتخابات افراد شایسته را برای ارگانهای رهبری به کنگره پیشنهاد می کند.
۳. عمل انتخابات را در طی برگزاری کنگره عهده دار است.

ماده ۱۹. امور مالی

1. احتیاجات مالی سازمان از طریق حق عضویت اعضا و کمک نهادهای خیریه و کمکهای مردمی تأمین میگردد.

ماده ۲۰. انحلال تشکل

۱. انحلال تشکل در صورت توافق ۲/۳ اعضاء عملی می گردد و همان مجمع در مورد امور مالی و دارایی تشکل تصمیمات لازم را اتخاذ می نمایند.

ماده ۲۱. انتخاب شعار تشکل

"آزادی، یکسانی، آرمان یارسانی" بعنوان شعار تشکل انتخاب گردید.

ماده ۲۲. تصویب و اجراء

سازمان دمکراتیک یارسان با نام اختصاری سدی در تاریخ ۲۱ و ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۹ در طی برگزاری کنگره ۴ در شهر استکهلم پایتخت سوئد برنامه و اساسنامه خود را به تصویب کنگره رسانید و مفاد برنامه و اساسنامه آن از تاریخ مذکور لازم به اجرا گردید.

پایان

